

نشریه علمی - پژوهشی گوهر گویا
سال دوم، شماره ۸، زمستان ۱۳۸۷، ص ۱-۳۲

انواع ادبی در حماسه های ملی ایران

محمد رضا صرفی* - محمود مدبری** - محمد صادق بصیری***

حسین میرزا نیک نام****

چکیده

حماسه های ملی ایران و در راس آن ها شاهنامه، سرگذشت پرفراز و نشیب ایران است در اندیشه ایرانی، آن گونه که بوده است یا آن گونه که ایرانی می پنداشته که بوده است یا می خواسته که بوده باشد. چنین آثار سترگی بایسته است که از هر دیدگاه و جنبه ای مورد بررسی قرار بگیرند. یکی از این جنبه ها، بررسی محتوایی این آثار از منظر انواع ادبی (Literary Genres) یا به قول قدما اغراض شعری است. حماسه اگر چه خود یک نوع مستقل است؛ اما به سبب گستردگی موضوعات آن، در درون خود انواع متفاوت دیگری نیز نهفته دارد. با بررسی و مطالعه دقیق ده اثر حماسی ملی ایران (شاهنامه، گرشاسپ نامه، برزنامه، فرامرنامه، بانوگشسپ نامه، شهریارنامه، بهمن نامه،

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان M_sarfi@yahoo.com

** دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان modaberi2001@yahoo.com

*** استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان Basiri@mail.uk.ac.ir

**** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

تاریخ پذیرش ۸۷/۱۲/۱۲

تاریخ وصول ۸۷/۴/۱۹

کوش نامه، کک کوهزاد و جهانگیرنامه)، در مجموع چهل و شش نوع ادبی در درون آن ها یافت شد که حاصل کار، آمار دقیق هر یک از انواع ادبی در هر یک از این منظومه ها و نیز بررسی تداخل هر یک از آن انواع، در یک دیگر است.

واژه های کلیدی

حماسه ملی ایران، انواع ادبی، انواع مشترک.

۱- مقدمه

زبان ابزاری است برای ارتباط افراد، بیان تصورات و انتقال افکار اندیشه بشری. (بروشه، ۱۳۷۷: ۱) چنین ابزاری بی گمان کارکردهای گوناگونی نیز خواهد داشت. یکی از این کارکردها، «ارتباط ادبی و رساندن پیام ادبی است» (برومند ۱۳۷۳: ۹)؛ اما تعریف ساده و روشنی از ادبیات، با این همه سخن فراوان از آن، کار ساده ای نیست.

ادب در آغاز دوره اسلامی «فرهنگی بوده است، مقابل فرهنگ دینی که مجموعاً علم خوانده می شده» (زرین کوب، ۱۳۷۹: ۳۶)؛ این معنی گسترده ادب در آغاز بوده که سبب شده آن را «شناخت اموری بدانند که آدمی را از خطا مصون می دارد» (جرجانی، ۱۳۷۴: ۲۷). بدیهی است که چنین معنای وسیعی از ادب، کار دسته بندی آن را مشکل یا غیر ممکن می سازد؛ اما اگر بپذیریم که ادب مجموعه تلمبار شده آثار نیست (فرای، ۱۳۷۷: ۳۰)، کلامی نیست که تنها حاصل یک خیال پردازی مجرد و فردی و ناشی از اندیشه ای به هیجان آمده باشد؛ بلکه در حقیقت، تبلور ویژگی های نژادی و تجلی احوال محیط و زبان است» (زرین کوب، ۱۳۸۲: ۴۶۲؛ به نقل از هیپولیت تن)؛ اثری است که در آن «ذهنیت به شکل عینیت» در آمده (سارتر، بی تا: ۵۷)؛ کلماتی است، دست بالا و متعالی که با کلام کوچک و بازار تفاوت دارد. چنین آثاری نیز به سبب انسان شمولی خود، طیف وسیعی از آثار را در بر می گیرند و این امر دسته بندی آن ها را ضروری می سازد. دسته بندی آثار ادبی یا انواع ادبی.

انواع ادبی (Literary Kinds) یکی از شعبه‌های مباحث نظریه ادبی (Theory of Literature) (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۹) و کار آن طبقه بندی آثار ادبی بر اساس نوع (Genre) آن آثار (شمیسا، ۱۳۸۰: ۳۶۰) است؛ این طبقه بندی هم ناظر به صورت است و ظاهر، و هم معنا و محتوا. نخستین کسی که در باره انواع ادبی و طبقه بندی آن‌ها تحقیق دقیقی کرده است ارسطو (۳۸۴-۳۲۲ ق م) است در کتاب «فن شعر» (زرین کوب، ۱۳۸۲: ۶۹). او نخستین کسی بود که به طور علمی به این امر پرداخت. او در کتاب فن شعر خود نوع‌های ادبی را بر اساس آن چه از آثار پیش از خود در دست داشت به دو دسته: حماسی و نمایشی تقسیم کرد که نوع نمایشی خود دارای دو گونه تراژدی و کمدی است.

پیروان بعدی ارسطو نوع سومی؛ یعنی نوع غنایی را نیز به آن افزودند. گوتته در تعلیقات دیوان شرقی- غربی خود می گوید: «شعر بیش از سه نوع نیست: آن که با وضوح و روشنی داستان را بیان می کند، آن که از شور و هیجان منبع می گیرد و آن که کار فردی و شخصی را تجسم می دهد و این‌ها عبارتند از حماسی، غنایی و درام (همان: ۷۰).

طبقه بندی آثار ادبی در ایران اگر چه بیش تر ناظر به صورت آن بوده که آن هم ضروری است؛ اما به معنی و مفهوم نیز توجه شده است و از آن با عنوان «اغراض شعری» یاد کرده‌اند؛ این اغراض در ادب فارسی، بسیار متنوع و گونه گون اند که استادان معاصر در کتاب‌های مربوط، به طور مبسوط به آن‌ها پرداخته اند.^۱

از میان انواع اصلی ادبی، حماسه به سبب گستردگی و وسعت معنا و ظاهر، در درون خود انواع متفاوت دیگری را در بر دارد که تاکنون به طور مستقل، مورد بررسی قرار نگرفته است. آن چه در این مقاله آمده، یافته‌های آماری مربوط به انواع ادبی در حماسه‌های ملی ایران است که مدخلی است، برای تحقیقات بیشتر در این باره.

۲- حماسه

حماسه (Epic) در لغت به معنی دلیری و سختی در کار است (جُرّ، ۱۳۸۲: ۸۶۱) و در اصطلاح، شعر بلند روایی است، در باره رفتار و کردار پهلوانان و رویدادهای قهرمانی و افتخار آمیز در جهان باستانی یک ملت (مختاری، ۱۳۶۸: ۲۱) که می تواند اعمال قهرمانی یک فرد یا یک ملت باشد (صفا، ۱۳۷۹: ۴). در حماسه است که ما می توانیم تصویر ایجاد

تمدن یک ملت را مشاهده کنیم (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۲: ۱۰۰)؛ این وسعت و عظمت موضوعات درون حماسه است که وجود انواع گونه گون ادبی را در آن ناگزیر می سازد. برای حماسه های ایرانی انواعی برشمرده اند: از نظر منشاء، حماسه های ایرانی به دو دسته حماسه های طبیعی و حماسه های مصنوعی تقسیم می شوند (صفا، ۱۳۷۹: ۲۵). حماسه های طبیعی یا ملی، حماسه هایی هستند که مؤلف مشخصی ندارند و تمام یک ملت در تمام نسل ها آن ها را ساخته و گرد آورده اند (شفیعی، ۱۳۵۲: ۱۰۸) تا این که در برهه ای از زمان و با پیدایش جمیع شرایط اجتماعی و سیاسی و فردی، شاعری به نظم آن همت می گمارد. در طبقه بندی موضوعی نیز حماسه های ایرانی به چهار دسته: اساطیری و پهلوانی، تاریخی، دینی و عرفانی تقسیم شده اند.

حماسه های ملی ایران عبارتند از: شاهنامه حکیم فردوسی (ق ۴ و اوایل ۵)، گرشاسپ نامه علی بن احمد اسدی طوسی (ق ۵)، برزنامه خواجه عمید عطاء بن یعقوب معروف به عطایی رازی (ق ۵)، فرامرنامه از شاعری نامعلوم (ق ۵)، بانو گشسپ نامه از شاعری ناشناس (ق ۵)، شهریارنامه سراج الدین عثمان بن محمد مختاری غزنوی (ق ۶)، بهمن نامه ایران شاه بن ابی الخیر (ق ۵ و ۶)، کوش نامه ایران شاه بن ابی الخیر (ق ۵ و ۶)، کک کوهزاد از سراینده ای ناشناس (ق ۶) و جهانگیرنامه قاسم مادح (ق ۶ یا ۷).

۳- انواع ادبی در حماسه های ملی ایران

۳-۱- گفتگو

بخش عمده ای از منظومه های حماسی را گفتگوی مستقیم بین افراد داستان تشکیل می دهد (۲۸/۳۲٪ تا ۵۶/۶۵٪) اگر نامه ها، حدیث نفس و تک گویی های درونی را نیز به آن بیفزاییم، آن گاه گزافه نخواهد بود، اگر منظومه های حماسی را مجموعه ای به هم پیوسته از گفتار بدانیم؛ عرصه ای برای جولان سخن قهرمانان. گفتگوها در حماسه اگر چه غالباً سبک و سیاقی یکسان دارد و کمتر تفاوت افراد، در نوع سخنشان تفاوت ایجاد می کند (مثلاً شاه یا جهان پهلوان تقریباً همان ونه سخن می گوید که سربازی ساده) اما تناسب تفاوت محتوای گفتار با تفاوت مخاطب، بسیار قابل توجه و بررسی است. این تفاوت در سخن گفتن بالادست با فرودست، فرودست با بالادست و نیز سخن هم پایگان

کاملاً مشهود و قابل تأمل است. گفتگوها گاه نیز بیان دل‌مشغولی‌های شاعرند که او، آن‌ها را از زبان قهرمانان یا افراد داستان خویش بازمی‌گوید که این امر، موضوعی درخور بررسی و کاوش است و مجالی دیگر می‌طلبد.

گفتگو در حماسه‌های ملی را می‌توان به گونه‌های زیر بخش نمود: گفتگوی یک‌سویه شامل: یک نفر به یک نفر، یک نفر به یک گروه، گروه به یک نفر و گروه به گروه؛ گفتگوی چند صدایی شامل: یک نفر و یک نفر، یک نفر و گروه، گروه به هم دیگر با گوینده‌های نامشخص، و چند نفر با یک دیگر. نسبت بیت‌های گفتگو به بیت‌های کل، هر یک از آن آثار بدین ترتیب است: شاهنامه: (۴۴/۹۸)، گرشاسپ‌نامه: (۳۱/۵)، برزنامه: (۵۶/۶۵)، فرامرزنامه: (۴۵/۵۱)، بانوگشسپ‌نامه: (۳۶/۵۳)، شهریارنامه: (۲۸/۳۲)، بهمین‌نامه: (۴۰/۹۶)، کوش‌نامه: (۳۹/۲۵)، کک‌کوهزاد: (۴۹/۱۵)، و جهانگیرنامه: (۴۲/۳۸).

نوع گفتگو به صورت مشترک با این انواع آمده است (منظور از به صورت مشترک آن است که برخی بیت‌ها، در عین حال که نوع مورد بحث هستند، در نوع‌های زیر نیز قرار می‌گیرند):

شاهنامه: وصف، فریب، مدح، تغزل، عتاب، پیغام، اسطوره، رؤیا، اعتذار، ستاره‌شمی، معماً، مناظره، هجو، پند، گله، رمانس، وقایع‌گویی، طعنه، مفاخره، تقاضا، امثال و حکم، افسانه، تردیات، فال، فلسفی، بٹ شکوی، نیایش، مذهبی، مرثیه، حسب حال، داستان نمادین و تمثیلی، سوگند، طنز.

گرشاسپ‌نامه: وصف، افسانه، فریب، اسطوره، وقایع‌گویی، مفاخره، رؤیا، سوگند، عتاب، طعنه، هجو، پند، ستاره‌شمی، پیغام، تقاضا، اعتذار، طنز، مدح، امثال و حکم، تعلیمی، فریب، فلسفی.

برزنامه: وصف، مدح، مفاخره، وقایع‌گویی، پند، عتاب، هجو، اسطوره، نیایش، امثال و حکم، پیغام، تک‌گویی درونی، حدیث نفس، سوگند، فریب، فلسفی.

فرامرزنامه: اسطوره، افسانه، تعلیمی، مناظره، عتاب، اعتذار، مدح، وصف، مفاخره، هجو، مذهبی، پند، پیغام، ستاره‌شمی.

بانوگشسپ نامه: رمانس، وصف، افسانه، اسطوره، پند، فریب، گلّه، مفاخره، مدح، اعتذار، پیغام، داستان نمادین و تمثیلی، سوگند، عتاب.

شهریار نامه: اسطوره، مدح، هجو، مفاخره، وقایع گویی، پیغام، امثال و حکم.

بهمن نامه: پیغام، فریب، افسانه - اسطوره، ستاره شمری، وقایع گویی، داستان نمادین و تمثیلی، وصف، عتاب، هجو، مدح، اعتذار، مفاخره، رؤیا، گلّه، نیایش، امثال و حکم، پند، تغزل، تقاضا، حدیث نفس، سوگند، طنز، فال.

کوش نامه: فریب، اسطوره، مدح، هجو، افسانه، پند، رؤیا، گلّه، تعلیمی، ستاره شمری، وقایع گویی، بث شکوی، تقاضا، وصف، سوگند، پیغام، طعنه، عتاب، تک گویی درونی، مفاخره، نیایش، مذهبی، مرثیه، اعتذار، امثال و حکم، داستان نمادین و تمثیلی، فال.

کک کوهزاد: رؤیا، اعتذار، مدح، مفاخره، وصف، نیایش، هجو، حسب حال، سوگند، عتاب.

جهانگیر نامه: اسطوره، مدح، وصف، افسانه، فریب، رؤیا، پیغام، اعتذار، مفاخره، پند، وقایع گویی، نیایش، هجو، مذهبی، امثال و حکم، تغزل، تقاضا، ستاره شمری، سوگند، طعنه، عتاب، فریب.

۲-۳- وصف

وصف را می توان تعریف یک ویژگی برجسته از فرد یا شیء دانست (هوارد، ۱۳۸۴: ۱۰۵)، وصف «نقاشی و تابلوسازی» است (مؤتمن، ۱۳۶۴: ۱۰۶). به یاری واژگان. وصف از موضوعات و اغراض مهم شعری است. بخشی از این اهمیت به سبب آن است که وصف «با روح و طبع و ذوق و ابتکار شخصی شاعر ارتباط دارد» (مؤتمن، ۱۳۶۴: ۱۰۷) یعنی خواننده یا شنونده از چگونگی بیان توصیف یک پدیده می تواند، علایق و دل مشغولی شاعر را دریابد. وصف ها در حماسه ها غالباً زنده و شفاف اند؛ و این شاید از ضروریات یک اثر حماسی باشد. آنچه یک اثر حماسی را در نگاه نخست از یک اثر غنایی متمایز می سازد، تمایز و تفاوت آن ها در وصف است. این امر در آثاری که بار حماسی قوی تری دارند (مانند شاهنامه) نسبت به آثاری که بار حماسی آن ها تحت الشعاع تصویر آفرینی غنایی قرار گرفته (مانند گرشاسپ نامه) کاملاً مشهود است.

وصف‌های حماسه به طور عمده شامل: وصف سپاه، نبرد، افراد، موجودات، مکان‌ها، خواسته‌ها و سوگواری است. علاوه بر این موارد، توصیفات محدود و محدود از دیگر پدیده‌ها نیز دیده می‌شود. گاهی نیز وصفی در میانه وصفی دیگر آمده است، مثلاً در میانه وصف نبرد، پهلوانی نیز وصف شده است. نسبت بیت‌های «وصف» به بیت‌های کل، در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۱۰/۳۲)، گرشاسپ نامه: (۲۳/۳۱)، برزنامه: (۸/۳۷)، فرامرزنامه: (۱۳/۷۳)، بانوگشسپ نامه: (۲۵)، شهریارنامه: (۱۷/۸۳)، بهمن نامه: (۹/۷۳)، کوش نامه: (۷/۴۲)، کک کوهزاد: (۸/۴۵)، و جهانگیرنامه: (۱۲/۳۷).

نوع وصف به صورت مشترک با این نوع‌ها آمده است:

شاهنامه: اسطوره، گفتگو، مذهبی، فلسفی، نامه، ساختمان و ایوان، وصف، افسانه، تغزل، وقایع نویسی، فریب، پیغام، طردیات، رمانس، تک‌نگاری، هجو، امثال و حکم، تک‌گویی درونی، حدیث نفس، ستاره شماری، سوگند، طعنه، طنز، عتاب، مرثیه، مفاخره، نیایش.

گرشاسپ نامه: وصف، گفتگو، افسانه، اسطوره، فصول و ماه‌ها، ساختمان و ایوان، نامه، فال، امثال و حکم، پند، تک‌گویی درونی، طعنه، طنز، عتاب، مفاخره.

برزونامه: گفتگو، مدح.

فرامرزنامه: اسطوره، گفتگو، ساختمان و ایوان، افسانه، وقایع نویسی، نامه، مدح.

بانوگشسپ نامه: طردیات، رمانس، گفتگو، فریب، عتاب، مفاخره، نیایش.

شهریارنامه: نامه، اسطوره.

بهمن نامه: گفتگو، افسانه، اسطوره، وقایع نویسی، فریب، عتاب.

کک کوش نامه: مدح، گفتگو، فصول و ماه‌ها، فریب، وقایع نویسی، اسطوره، ساختمان و ایوان، طعنه.

کک کوهزاد: گفتگو، رؤیا.

جهانگیرنامه: اسطوره، گفتگو، پیغام، فریب، هجو، افسانه، حدیث نفس.

۳-۳- نامہ

نامہ در حماسہ های ملی جایگاه درخور و کارکرد مهمی دارد. بین (۰/۸۰٪ تا ۷/۱۴٪) بیت های آثار حماسی را نامہ ها تشکیل می دهد؛ اگر «پیغام» ها را که در حقیقت نامہ هایی نانوشتہ هستند، به این آمار بیفزاییم، اهمیت این نوع در پیشبرد داستان حماسی، بیشتر و بہتر آشکار می شود. کثرت و تنوع نامہ ها در متون حماسی، از دیدگاه جامعہ شناسی بسیار قابل توجہ است؛ بہ عنوان مثال در هیچ یک از آثار حماسی، ہرگز سخنی از احتمال نرسیدن نامہ بہ مقصد نیست کہ می تواند نشان از سازماندهی منظم انتقال نامہ در نزد ایرانیان است.

عمدہ نامہ های حماسہ ها بدین قرار است: فتح نامہ، منشور، گزارش، درخواست، فرمان، تہدید، تہنیت، انواع پیمان ها و نامہ های چند نوعی (ترکیبی)؛ علاوہ بر اینها، نامہ های دیگری در نوع، متعدد و در تعداد، محدود نیز در حماسہ ها دیدہ می شود (در آمار محاسبہ شدہ اند).

نامہ ها غالباً، دارای این ساختار هستند (بویژہ نامہ هایی کہ افراد مثبت می نویسند): نیایش آغازین، مدح، بیان موضوع اصلی، مدح پایانی و گاہ دعا. نسبت بیت های «نامہ» بہ بیت های کل، در ہر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامہ: (۵/۸۹٪)، گرشاسپ نامہ: (۳/۷۲٪)، برزنامہ: (۰/۸۰٪)، فرامرزنامہ: (۸/۳۳٪)، بانوگشسپ نامہ: (۱/۸۴٪)، شہریارنامہ: (۸/۱۰٪)، بہمن نامہ: (۶/۶۸٪)، کوش نامہ: (۷/۱۴٪)، و جہانگیر نامہ: (۱/۱۴٪).

نوع «نامہ» بہ صورت مشترک با این نوع ها آمدہ است:

شاهنامہ: اسطورہ، مفاخرہ، عتاب، گفتگو، وصف، فریب، وقایع نویسی، افسانہ، پند، رمانس، فال، معما، مذہبی، نیایش، ہجو، امثال و حکم، تغزل، تقاضا، رؤیا، طعنہ، فلسفی، گلہ، مدح.

گرشاسپ نامہ: اسطورہ، نیایش، وقایع نویسی، وصف، امثال و حکم، پند، تقاضا، مدح، مفاخرہ.

برزنامہ: نیایش، مدح، مفاخرہ.

فرامرزنامہ: اسطورہ، نیایش، وقایع نویسی، وصف، پند، تقاضا، مفاخرہ.

بانوگشسپ نامه: نیایش، مدح، مفاخره.

شهریار نامه: اسطوره، گفتگو، وصف، مدح، مفاخره.

بهمن نامه: پند، فریب، اسطوره، اعتذار، افسانه، نیایش، وقایع نویسی، هجو، امثال و حکم، تعلیمی، تغزل، تقاضا، عتاب، مدح، مفاخره.

کوش نامه: وقایع نویسی، گفتگو، فریب، افسانه، مدح، نیایش، هجو، امثال و حکم، پند، تقاضا، سوگند، عتاب، مفاخره.

جهانگیر نامه: نیایش، وقایع نویسی، وصف، تغزل، تقاضا، طنز، مدح، مذهبی، مفاخره.

۳-۴- پیغام

پیغام‌ها، نامه‌هایی نانوشته هستند که گاه تمام ویژگی‌های نامه را دارا هستند؛ اما غالباً دارای این تفاوت‌ها هستند: اکثراً کوتاه‌ترند؛ غالباً نیایش آغازین را ندارند؛ معمولاً فاقد مدح مخاطب هستند. عمده پیغام‌های حماسه‌ها از این گونه‌اند: فرمان، شکایت، تهدید، اعتذار، دعوت، عتاب، گزارش، نوید، درخواست، پیمان و نامه‌های چند نوعی (ترکیبی)؛ علاوه بر این نوع پیغام‌ها، پیغام‌های دیگری نیز هستند که در نوع متنوع و در تعداد اندک‌اند (در آمار محاسبه شده‌اند). نسبت بیت‌های «پیغام» به کل بیت‌ها، در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۳/۴۷٪)، گرشاسپ نامه: (۱/۴۰٪)، برزو نامه: (۱/۰۳٪)، فرامرز نامه: (۰/۱۸٪)، بانوگشسپ نامه: (۰/۵۸٪)، بهمین نامه: (۱/۹۸٪)، کوش نامه: (۴/۱۸٪)، و جهانگیر نامه: (۱/۲۷٪).

نوع «پیغام» به صورت مشترک با این نوع‌ها آمده است:

شاهنامه: گفتگو، عتاب، اعتذار، بٹ شکوی، اسطوره، فریب، وصف، مدح، افسانه، معما، پند، تقاضا، هجو، طنز، گله، مفاخره، وقایع نویسی.

گرشاسپ نامه: گفتگو، اسطوره، تقاضا، سوگند، مدح، وقایع نویسی.

برزو نامه: گفتگو، مدح، وقایع نویسی.

فرامرز نامه: گفتگو، اسطوره، مدح، وقایع نویسی.

بانو گشسپ نامه: گفتگو، رمانس.

بهمن نامه: گفتگو، فریب، طنز، افسانه، غنایی، تقاضا، عتاب، هجو، مدح، وقایع نویسی، اعتذار.

کوش نامه: وقایع نویسی، گفتگو، فریب، تقاضا، هجو، سوگند.

جهانگیر نامه: تغزل، گفتگو، تقاضا، هجو.

۵-۳- اسطوره

اسطوره در واژه به معنی سخن پریشان و بیهوده است (دهخدا: ذیل اسطوره)؛ و در اصطلاح، روایاتی است معمولا مقدس، در باره خدایان، موجوداتی فوق بشری و وقایع شگفت آوری که در زمان های آغازین، با کیفیاتی متفاوت با کیفیات زمان ما، رخ داده و به خلق جهان و اداره آن انجامیده است (بهار، ۱۳۷۸: ۳۷۱).

اسطوره های آمده در حماسه های ملی را می توان به هشت نوع کلی به قرار زیر بخش نمود:

۱- اشخاص اساطیری، مانند: کیومرث، سیامک، جمشید... ۲، ایزدان، مانند: سروش، اسرافیل،... ۳، موجودات ماوراء طبیعی، مانند: دیو، پری،... ۴، کشف ها و اختراعات اولیه، مانند: آتش، آهن،... ۵، بنیاد جشن ها، مانند: نوروز، سده،... ۶، ایجاد طبقات اجتماعی. ۷، باورهای کهن، مانند: جادو، طلسم،... ۸، اعمال اساطیری، مانند: هفت خوان ها، پرواز به آسمان، رویین تنی، جاودانه خواهی،...

از برخی اساطیر مهم مانند: آفرینش، بهشت گمشده و هبوط انسان، در حماسه های ملی به طور مستقیم سخنی نرفته است. شاهنامه تا مرگ رستم، و تمام دیگر آثار حماسی ملی در جهان اساطیری گزارش شده اند.

۶-۳- اعتذار

اعتذار در لغت به معنی عذر خواستن و عذر و پوزش و معذرت آمده (دهخدا: ذیل اعتذار) و در اصطلاح به شعری گفته می شود که شاعر از ممدوح، پس از قرار گرفتن در معرض عتاب و زندان یا قطع الطاف، عذر می خواهد و طلب بخشش می کند (مؤتمن، ۱۳۶۴: ۳۰۰). در این بررسی، اعتذار به بیت هایی اطلاق شده که در آن

فردی یا افرادی از داستان، از دیگری طلب بخشش نموده است. نسبت بیت های «اعتذار» به بیت‌های کل، در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است:

شاهنامه: ۰/۳۴٪، گرشاسپ نامه: (۰/۱۳٪)، فرامرزنامه: (۰/۸۱٪)، بانوگشسپ نامه: (۰/۹۰٪)، بهمن نامه: (۰/۵۸٪)، کوش نامه: (۰/۱۲٪)، کک کوهزاد: (۰/۴۲٪)، جهانگیرنامه: (۰/۰۶٪).

نوع «اعتذار» به صورت مشترک با این نوع ها آمده است:

شاهنامه: گفتگو، اسطوره، فریب، وقایع نویسی، فلسفی، نامه.

گرشاسپ نامه: اسطوره، گفتگو.

فرامرزنامه: گفتگو، مدح.

بانوگشسپ نامه: گفتگو، رمانس.

بهمن نامه: گفتگو، پند، نامه.

کوش نامه: گفتگو، فریب.

کک کوهزاد و جهانگیرنامه: گفتگو.

۷-۳- افسانه

افسانه در فرهنگ ها به معنی سرگذشت و حکایات گذشتگان، قصه، داستان، تمثیل و سخن ناراست و دروغ آمده است (دهخدا: ذیل افسانه). افسانه در این بررسی به آن دسته از پدیده ها و وقایع اطلاق گردیده که باور مردم کهن بوده؛ اما برای آن منشاء و پایه ای در واقعیت یافت نمی‌شود (برخلاف اسطوره که اساس آن ها بر واقعیت یا آن چه واقعیت می‌پنداشته اند، استوار بوده است). افسانه در حماسه های ملی را می‌توان در چهار دسته جای داد:

- ۱- موجودات افسانه ای مانند: اژدها، نسناس،... ۲- اتفاقات و حوادث مانند: آمدن صدا از طاق ایوان، دیدن مرده با سر گراز،... ۳- مردمان افسانه ای مانند: سکشاران، دوال پایان،... ۴- داستان های افسانه‌ای مانند: شهر کرم هفتواد، شهر هروم،...

نسبت بیت های «افسانه» به بیت های کل، در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۰/۲/۵۵)، گرشاسپ نامه: (۰/۶/۸۲)، فرامرزنامه: (۰/۸/۵۲)، بهمن نامه: (۰/۱/۵۱)، کوش نامه: (۰/۱/۱۴)، جهانگیرنامه: (۰/۱/۱۰).

۸-۳- امثال و حکم

امثال در فرهنگ ها جمع «مثل» و به معنی ماندها و قول سایر و مشهوری آمده که حالتی یا کاری را بدان تشبیه کنند؛ و حکم جمع حکمت، به معنی دانایی، علم، فرزاندگی، اندرز... آمده است (دهخدا: ذیل امثال، حکم)؛ اما تعریف جامع و مانعی از «امثال و حکم» بسیار دشوار می نماید؛ در بیان دشواری آن همین بس که استاد مرحوم علامه علی اکبر دهخدا از آوردن تعریفی برای آن، در مقدمه کتاب سترگ خود، امثال و حکم، خودداری کرده است. نگاهی اجمالی به درصد امثال و حکمها در حماسه های ملی در بدو امر، کم بودن و به تبع آن کم اهمیت بودن آن را به ذهن متبادر می کند؛ اما اگر توجه داشته باشیم که امثال و حکمها غالباً تک بیت اند آن گاه دریافته خواهد شد که همین درصد کم نیز نشان از تعدد کارکرد این نوع ادبی در حماسه های ملی ایران دارد؛ و این نمودی از توجه ایرانیان به استعمال امثال و حکم در گفتار است.

امثال و حکم در حماسه ها، به دو زیر نوع بخش شده اند: امثال و حکمی که شاعر در لابلای داستان بیان کرده، و آن چه که بر زبان یا قلم افراد درون داستان جاری شده است. نسبت بیت های «امثال و حکم» به بیت های کل، در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۰/۰/۴۵)، گرشاسپ نامه: (۰/۰/۴۷)، برزنامه: (۰/۰/۸۹)، بانوگشسپ نامه: (۰/۰/۲۹)، شهریارنامه: (۰/۰/۴۳)، بهمن نامه: (۰/۰/۵۰)، کوش نامه: (۰/۰/۱۰)، جهانگیرنامه: (۰/۰/۰۳).

نوع «امثال و حکم» به صورت مشترک با این نوع ها آمده است:

شاهنامه: اسطوره، تک گویی درونی، فلسفی، تعلیمی، نامه، اعتذار، گفتگو، عتاب، پند، وصف، رمانس، گله، فریب، مفاخره.

گرشاسپ نامه: گفتگو، نامه، تک گویی درونی، عتاب، فریب، اسطوره، وصف.

برزونامه: هجو، گفتگو.

بانوگشسپ نامه: رمانس.

شهریار نامه: گفتگو، اسطوره.

بهمن نامه: گفتگو، عتاب، نامه، طنز، وصف، فریب، اسطوره.

کوش نامه: پند، گفتگو، نامه.

جهانگیر نامه: گفتگو، افسانه، فریب.

۹-۳- بٹ شکوی

بٹ شکوی به اشعاری اطلاق می‌شود که شاعر در قبال ناملایمات و محرومیت‌های وارده بسراید و حکایت از رنج و اندوه و تیره روزی و بدبختی گوینده باشد (مؤتمن، ۱۳۶۴: ۲۸۸). در این بررسی، بٹ شکوی علاوه بر بیان شاعر، بیان اندوه و تیره‌روزی افراد درون داستان را نیز شامل شده است. بٹ شکوای حماسه‌های ملی به دو زیر نوع بخش شده اند: بٹ شکوی‌های شاعر (این دسته غالباً شکوه از دنیا و روزگار است و گاه رنگ حکمی به خود می‌گیرد)، بٹ شکوهای افراد درون داستان.

نسبت بیت‌های «بٹ شکوی» به بیت‌های کل، در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۰/۲۰٪)، فرامرزنامه: (۰/۹۴٪)، کوش نامه: (۰/۹٪)، کک کوهزاد: (۰/۱۴۰٪).

نوع «بٹ شکوی» به صورت مشترک با این نوع‌ها آمده است:

شاهنامه: نامه، گفتگو، حدیث نفس، حسب حال، مرثیه، پیغام، گله، سوگند، مدح.

فرامرزنامه: حسب حال.

کوش نامه: گفتگو، تقاضا، مدح.

۱۰-۳- پند

پند و پندگویی در میان ایرانیان بسیار رواج داشته و دارد. تعداد قابل توجه پندنامه‌هایی که از پیش و پس از اسلام در ادب فارسی باقی مانده، گواه خوبی بر این مدعاست. در

حماسه های ملی نیز، تقریباً هیچ یک از داستان ها خالی از پند و اندرز نیست. پندهای حماسه های ملی به دو زیر نوع بخش شده‌اند: پندهای بیان شده از سوی شاعر، پندهایی که از زبان یا قلم افراد درون داستان روایت شده است.

نسبت بیت های «پند» به بیت های کل، در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۴/۰۱)، گرشاسپ نامه: (۸/۸۲)، برزنامه: (۰/۲۱)، فرامرزنامه: (۲/۳۱)، بانوگشپ نامه: (۲/۹۰)، بهمن نامه: (۴/۰۸)، کوش نامه: (۲/۰۲)، کک کوهزاد: (۱/۴۰)، جهانگیرنامه: (۰/۵۴).

نوع «پند» به صورت مشترک با این نوع ها آمده است:

شاهنامه: گفتگو، اسطوره، وصف، مذهبی، نامه، ستاره شمیری، نیایش، فلسفی، امثال و حکم.
 گرشاسپ نامه: تعلیمی، گفتگو، افسانه، اسطوره، وصف، تقاضا، نامه، مدح، امثال و حکم.
 برزنامه: گفتگو.

فرامرزنامه: گفتگو، نامه.

بانوگشپ نامه: گفتگو، رمانس.

بهمن نامه: گفتگو، نامه، اعتذار، فریب، وقایع نویسی، فلسفی، افسانه، داستان نمادین و تمثیلی، مذهبی.

کوش نامه: وقایع نویسی، گفتگو، تک گویی درونی، نامه، فریب، مذهبی، مدح، مفاخره، امثال و حکم.

جهانگیرنامه: مذهبی، گفتگو، اسطوره.

۱۱-۳- تاریخ

تاریخ را در حماسه های ملی ایران، اگر به معنی خاص آن؛ یعنی «گزارش راستین وقایع ایام و بازشناسی علل و اسباب واقعی این وقایع، و توجیه آن ها به سان ضرورت های اجتناب ناپذیر در چارچوب قانون علیت بگیریم» (سرکاراتی، ۱۳۷۸: ۷۲)، از چنین تاریخی در هیچ یک از آثار حماسی ملی نشانی نمی توان یافت؛ اما اگر تاریخ را به معنی سنتی آن و «در مفهوم مشتق

اخبار کثر و راست دربارهٔ شخصیت‌های واقعی و غیر اساطیری» (همان) بگیریم، نوع تاریخ را در میان حماسه‌های ملی، در شاهنامه و کوش نامه می‌توان دید: شاهنامه از ابتدای پادشاهی اردشیر درازدست (بهمن اسفندیار) تا پایان: (۴۷/۳۱٪) کل اثر؛ کوش نامه: اشاره به پادشاهی افریقس، دقیانوس، بلاطس، ایطیلناس و اسکندر: (۴/۶۵٪) کل اثر.

۱۲-۳- تراژدی

اگر چه تراژدی به معنای خاص غربی که یکی از انواع ادب نمایشی است، در حماسه‌ها دیده نمی‌شود؛ اما در شاهنامه چهار داستان غم‌انگیز آمده که هر یک از آن‌ها را می‌توان نمونهٔ تراژدی محسوب کرد. «در این داستان‌ها انقلاب حال قهرمان تا بدان جاست که خواننده و شنونده را دستخوش اندوهی دراز و دیرپای می‌کند و گاه‌گاه اشک او را در می‌آورد (رستگار فسایی، انواع شعر فارسی، ۱۳۸۰: ۱۴۳). این چهار داستان عبارتند از: داستان‌های: رستم و سهراب، سیاوش، فرود سیاوش، و رستم و اسفندیار. این چهار داستان، (۱۲/۲۹٪) بیت‌های شاهنامه را تشکیل می‌دهند.

۱۳-۳- تعلیمی

تعلیمی به آن دسته از آثار ادبی اطلاق می‌شود «که برای تشریح شاخه‌ای از دانش یا حتی برای بیان یک نظریه یا مضمون اخلاقی، مذهبی یا فلسفی» سروده شده است (هوارد، ۱۳۸۴: ۸۳). در این بررسی «تعلیمی» به آن بخش از ابیات حماسه‌های ملی اطلاق شده که در آن‌ها موضوعی آموخته می‌شود و غالباً، از زبان افراد درون داستان نقل می‌گردد. علاوه بر آن چه به طور خاص در این بخش آمده، انواع: پند، فلسفی، مذهبی و مناظرات نیز در زیر مجموعهٔ نوع تعلیمی قرار دارند.

نسبت بیت‌های «تعلیمی» به بیت‌های کل، در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۱/۹۸٪)، گرشاسپ نامه: (۶/۹۴٪)، فرامرزنامه: (۱۱/۳۴٪)، بهمن نامه: (۰/۰۲٪)، کوش نامه: (۲/۵۱٪).

نوع «تعلیمی» به صورت مشترک با این نوع‌ها آمده است:

شاهنامه و گرشاسپ نامه: گفتگو، اسطوره.

فرامرزنانه و کوش نامه: گفتگو.

بهمن نامه: نامه.

۱۴-۳- تغزل

غزل در اصل لغت، حدیث زنان و صفت عشق‌بازی با ایشان و تهالک در دوستی ایشان است (شمس قیس، ۱۳۷۳: ۳۵۸). در حماسه‌ها، با همه‌خسوفتی که دارند، «آثار عشقی و افکار غنایی بسیار دیده می‌شود» (صفا، ۱۳۷۹: ۲۴۴)؛ به عنوان مثال، شاهنامه اگر چه با «کین» آغاز می‌شود و با کین پایان می‌پذیرد؛ اما در میانه با مهر نیز آمیزش و آویزشی دل‌انگیز دارد (سرامی، ۱۳۷۸: ۵۰۸). آن چه در این بخش تحت نوع تغزل آمده، داستان دل‌دادگی‌ها را شامل نمی‌شود؛ داستان‌های عاشقانه در نوع «رمانس» دسته‌بندی شده است. نسبت بیت‌های «تغزل» به بیت‌های کل، در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۰/۱۷٪)، بهمین نامه: (۰/۶۹٪)، جهانگیرنامه: (۰/۶۰٪).

نوع «تغزل» به صورت مشترک با این نوع‌ها آمده است:

شاهنامه: گفتگو، نامه، رمانس.

بهمین نامه: گفتگو، نامه، رمانس.

جهانگیر نامه: گفتگو، رمانس.

۱۵-۳- تقاضا

تقاضا در اصطلاح ادبی به اشعاری گفته می‌شود که در آن، شاعر چیزی را از ممدوح طلب کند (مؤتمن، ۱۳۶۴: ۳۷)؛ اما در این بررسی تقاضا به هر نوع طلب چیز، چه از سوی شاعر و چه از سوی یکی از افراد داستان از فرد دیگر، اطلاق شده است. نسبت بیت‌های «تقاضا» به بیت‌های کل، در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۰/۸۰٪)، گرشاسپ نامه: (۰/۲۹٪)، فرامرزنانه: (۰/۴۴٪)، بانوگشسپ نامه: (۰/۸۴٪)، شهریارنامه: (۰/۴۵٪)، بهمین نامه: (۰/۵۱٪)، کوش نامه: (۰/۱۳٪)، جهانگیرنامه: (۰/۴۸٪).

نوع «تقاضا» به صورت مشترک با این نوع‌ها آمده است:

شاهنامه: گفتگو، افسانه، اسطوره.

گرشاسپ نامه: نامه، اسطوره، گفتگو.

فرامرزنامه و بانوگشسپ نامه: نامه.

شهریارنامه: مدح.

بهمن نامه: گفتگو، نامه، اسطوره، افسانه.

کوش نامه: نامه، فریب، وقایع نویسی، گفتگو.

جهانگیرنامه: نامه، گفتگو، تغزل.

۱۶-۳- تک گویی درونی

تک گویی درونی گفتگویی است که در ذهن افراد داستان جریان دارد (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۶۷) بدون آن که بر زبان بیاید اگر بر زبان بیاید آن را حدیث نفس می‌نامند و خواننده با بیان آن از سوی خالق اثر، از آن چه در ذهن شخصیت داستان می‌گذرد، مطلع می‌شود. نسبت بیت‌های «تک گویی درونی» به بیت‌های کل در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۰/۷۷)، گرشاسپ نامه: (۰/۶۳)، برزنامه: (۰/۱۷)، فرامرزنامه: (۰/۱۲)، بانوگشسپ نامه: (۰/۸۱)، شهریارنامه: (۰/۴۳)، بهمین نامه: (۰/۷۴)، کوش نامه: (۰/۴۴)، کک کوهزاد: (۰/۷۰)، جهانگیرنامه: (۰/۲۱).

نوع «تک گویی درونی» به صورت مشترک با این نوع‌ها آمده است:

شاهنامه: وصف، گفتگو، رمانس، اسطوره، افسانه، مفاخره، فریب، فلسفی، فال، معما،

ستاره شمري، معما، مدح، امثال و حکم.

گرشاسپ نامه: وصف، اسطوره.

برزنامه: گفتگو.

بانوگشسپ نامه: وصف، فریب، افسانه، رؤیا، اسطوره.

بهمین نامه: اسطوره، وصف، افسانه، فریب، رؤیا.

کوش نامه: گفتگو، پند، وصف، فریب، اسطوره.

جهانگیرنامه: فریب، وصف، افسانه.

۱۷-۳- حدیث نفس

حدیث نفس آن است که یکی از شخصیت های داستان «افکار و احساسات خود را بر زبان بیاورد تا تماشاچی یا خواننده از نیت و مقاصد او با خبر شود» (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۸۲). حدیث نفس اگر چه در بنیاد خود به ادبیات نمایشی اختصاص دارد (مانند تک گویی درونی)؛ ولی در آثار روایی و داستانی نیز کاربرد دارد. بهره گیری وسیع از این شیوه؛ بویژه در بخش هایی که داستان به شیوه جریان سیال ذهن سروده شده است، بخوبی قابل تشخیص است. نسبت بیت های «حدیث نفس» به بیت های کل در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۰/۵۵)، گرشاسپ نامه: (۰/۴۲)، برزنامه: (۰/۱۱)، فرامرزنامه: (۰/۱۲)، بهمن نامه: (۰/۸۹)، کوش نامه: (۰/۴۱)، جهانگیرنامه: (۰/۵۹).

نوع «حدیث نفس» به صورت مشترک با این نوع ها آمده است:

شاهنامه: اسطوره، مرثیه، مفاخره، وصف، بٹ شکوی، هجو، افسانه، سوگند.

گرشاسپ نامه: سوگند، مرثیه، هجو.

برزنامه: گفتگو، مرثیه.

فرامرزنامه: اسطوره.

بهمن نامه: تغزل، گفتگو، مرثیه، افسانه، فریب، اسطوره.

کوش نامه: فریب، ستاره شمری، وصف.

جهانگیرنامه: مرثیه، وصف، اسطوره، فریب.

۱۸-۳- حسب حال

حسب حال به به اشعاری گفته می شود که «شعرا در باره اخلاق و روحیات و تأملات روحی و وضع زندگانی و کیفیت معاش و شرح احوال و سوانح و حوادث شخصی و تیمار خواری زن و فرزند و ذکر پیری [...] خود سروده اند» (مؤتمن، ۱۳۶۴: ۲۵۲). این بررسی علاوه بر حسب حال شاعر، حسب حال هایی را که بر زبان افراد داستان آمده، نیز شامل

می‌شود. نسبت بیت های «حسب حال» به بیت های کل در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۰/۲۴٪)، گرشاسپ نامه: (۰/۲۷٪)، فرامرزنامه: (۰/۲/۱۳٪)، بهمن نامه: (۰/۲۱٪)، کک کوهزاد: (۰/۱/۴۰٪).

نوع «حسب حال» به صورت مشترک با این نوع ها آمده است:

شاهنامه: گفتگو، پند، بٹ شکوی، مفاخره.

فرامرزنامه: بٹ شکوی.

کک کوهزاد: بٹ شکوی، گفتگو.

۱۹-۳- داستان نمادین و تمثیلی

داستان های نمادین و تمثیلی داستانهای نسبتاً کوتاهی هستند که در آن شاعر یا نویسنده (و یا شخصیت داستانی روایت کننده) با توجه به نگرش فلسفی خود شخصیت هایی را خلق می کند که جنبه سمبلیک و رمزی دارند و موضوع این داستان ها هم غالباً بیان یک ایده و نگرش اجتماعی، اخلاقی یا عقیدتی است که معمولاً به صورت یک اصل بیان می شود (تمیم داری، ۱۳۷۹: ۲۵۲)؛ تعبیر رؤیا، ستاره شمری، طرح معما و موضوعاتی از این قبیل نیز، در ژرف ساخت خود داستان نمادین هستند که به طور جداگانه به آن ها پرداخته شده است. نسبت بیت های «داستان نمادین و تمثیلی» به بیت های کل در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۰/۲۰٪)، بانوگشسپ نامه: (۰/۱/۵۵٪)، بهمن نامه: (۰/۷۰٪)، کوش نامه: (۰/۲۴٪).

نوع داستان نمادین تمثیلی به صورت مشترک با این نوع ها آمده است:

شاهنامه: فلسفی، گفتگو.

بانوگشسپ نامه: گفتگو.

بهمن نامه: پند، گفتگو.

کوش نامه: فلسفی، گفتگو.

۲۰-۳- رمانس

در ادبیات غرب رمانس به قصه های عاشقانه با شکوه و ماجراجویانه ای گفته می شود که غالباً با حوادث غیر معقول و ماجراهای عجیب و غریب هم راه است (←داد، ۱۳۷۵: ۱۵۰). در این بررسی، رمانس به داستان های عاشقانه ای گفته شده که در خلال حوادث حماسی چهره نموده است. داستان های عاشقانه « این گونه کتب را رونق و شکوه و جلال خاصی است؛ زیرا در آن ها تناوری و دلآوری پهلوانان و زیبایی و لطافت زنان و عواطف رقیق و دل و بازوی قوی به هم می آمیزد و از آن میان عظمت عشق به همان درجه از قوت آشکار می شود که طنطنه و شکوه پهلوانی در رزم آزمایی» (صفا، ۱۳۷۹: ۲۴۴).

داستان های عاشقانه در حماسه های ملی عبارتند از:

شاهنامه: داستان زال و رودابه، رو در رویی سهراب و گردآفرید، داستان بیژن و منیژه، ماجرای اردشیر و گنار (کنیزک اردوان). این داستان ها (۴/۹۰٪) بیت های شاهنامه را تشکیل می دهند.

بهمن نامه: داستان کتایون دختر شاه صور (همسر بهمین) و غلامش به نام لؤلؤ. این داستان (۲۴/۶۷٪) بیت های بهمین نامه را شامل می شود.

بانو گشسپ نامه: ماجرای عشق شیده به بانو گشسپ. این ماجرا (۱۶/۳۷٪) بیت های منظومه را در بر گرفته است.

۲۱-۳- سوگند

سوگند و پابندی به سوگند در میان ایرانیان کهن، بسیار اهمیت داشته و بسا قهرمانان، چون سیاوش که جان بر سر سوگند و وفاداری به آن می نهند. سوگندها در حماسه غالباً به دادار، به روز و شب، به یزدان که بر پای دارد سپهر، به جنگ و به بزم و به رزم،... است. نسبت بیت های «سوگند» به بیت های کل در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۰/۲۵٪)، گرشاسپ نامه: (۰/۳۲٪)، برزنامه: (۱/۳۶٪)، بانو گشسپ نامه: (۰/۲۹٪)، بهمین نامه: (۰/۳۹٪)، کوش نامه: (۰/۳۳٪)، کک کوهزاد: (۲/۳۹٪)، جهانگیر نامه: (۰/۰۳٪).

نوع «سوگند» به صورت مشترک با این نوع ها آمده است:
شاهنامه: گفتگو، حدیث نفس، وصف، مرثیه، فریب، بٹ شکوی.
گرشاسپ نامه: نامه، حدیث نفس، مفاخره، گفتگو، افسانه، وصف.
برزونامه: گفتگو، مفاخره، حدیث نفس.
بانوگشسپ نامه: گفتگو، فریب.
بهمن نامه: گفتگو، اسطوره.
کوش نامه: فریب، گفتگو، نامه.
کک کوهزاد: مفاخره، گفتگو.
جهانگیرنامه: گفتگو.

۲۲-۳- عتاب

عتاب در لغت به معنی خشم گرفتن و ملامت کردن آمده (دهخدا: ذیل عتاب)، و در بحث انواع، بیت‌هایی را شامل می‌شود که در آن یکی از شخصیت‌های داستان، شخص دیگری را مورد خشم، سرزنش یا ملامت زبانی قرار می‌دهد. عتاب به سبب ساخت حماسی‌ای که دارد، در این آثار کار کرد بسیار دارد. نکته قابل تأمل در باره عتاب‌های حماسی ملی ایران، عفت و پاکی زبان است، در هنگام خشم که حتی در عتاب کردن دشمنان نیز از به کار بردن الفاظ رکیک اجتناب می‌شود. این امر؛ بویژه در مقایسه با مفاخرات عربی که رنگ و بویی حماسی دارد، بسیار مشهودتر می‌نماید.

نسبت بیت‌های «عتاب» به بیت‌های کل در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۱/۰۵)، گرشاسپ نامه: (۱/۲۳)، برزونامه: (۱/۲۵)، فرامرزننامه: (۰/۳۱)، بانوگشسپ نامه: (۰/۱۹)، بهمین نامه: (۱/۲۰)، کوش نامه: (۰/۶۵)، کک کوهزاد: (۳/۶۶)، جهانگیرنامه: (۰/۰۴).

نوع «عتاب» به صورت مشترک با این نوع ها آمده است:

شاهنامه: گفتگو، نامه، وصف، اسطوره، مفاخره، فریب، طرديات، هجو، امثال و حکم، پند، طعنه.

گرشاسپ نامه: گفتگو، هجو، طعنه، وصف، فریب، اسطوره، مفاخره، امثال و حکم. /
برزونامه: گفتگو، هجو، مدح.

فرامرزنانه: گفتگو، هجو.

بانوگشسپ نامه: گفتگو، مفاخره، وصف.

بهمن نامه: گفتگو، فریب، وصف، وقایع نویسی، پند، نامه، افسانه، هجو، امثال و حکم.

کوش نامه: گفتگو، هجو، نامه.

کک کوهزاد: گفتگو، مفاخره.

جهانگیر نامه: گفتگو.

۲۳-۳- غنایی

تمام انواع ادبی یا اغراض شعری که در حماسه ها آمده است، به جز انواع زیر «غنایی» محسوب می شوند: اسطوره، پند، تاریخ، تعلیمی.

۲۴-۳- فریب

نوع «فریب» شامل آن بخش از بیت های داستان حماسی می شود که فریب کس یا کسانی، داستان را به پیش می برد. دروغ نیز در این نوع وارد شده است. نسبت بیت های «فریب» به بیت های کل در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۴/۴۷٪)، گرشاسپ نامه: (۰/۸۲٪)، برزونامه: (۰/۵۱٪)، بانوگشسپ نامه: (۲۵/۹۶٪)، شهریار نامه: (۲/۸۱٪)، بهمین نامه: (۵/۷۶٪)، کوش نامه: (۵/۸۶٪)، جهانگیر نامه: (۴/۱۹٪).

نوع «فریب» به صورت مشترک با این نوع ها آمده است:

شاهنامه: گفتگو، وصف، رمانس، اسطوره، نامه، وقایع نویسی، مفاخره، مدح، نیایش، هجو، مذهبی، فلسفی، اعتذار، امثال و حکم، پیغام، تقاضا، تک گویی درونی، ستاره شماری، سوگند، عتاب.

گرشاسپ نامه: هجو، گفتگو، امثال و حکم، عتاب.

برزونامه: گفتگو.

بانوگشسپ نامه: وصف، طردیات، گفتگو، مفاخره، تک گویی درونی، نیایش، سوگند. شهریارنامه: مفاخره.

بهمن نامه: گفتگو، مدح، وصف، نامه، امثال و حکم، پند، پیغام، عتاب، فال. کوش نامه: اسطوره، گفتگو، مدح، نیایش، وصف، نامه، اعتذار، پند، پیغام، تقاضا، تک گویی درونی، حدیث نفس، سوگند. جهانگیرنامه: گفتگو، مفاخره، وقایع نویسی، هجو، وصف، امثال و حکم، یک گویی درونی، حدیث نفس.

۲۵-۳- فلسفی

نوع «فلسفی» آن دسته از بیت هایی را شامل می شود که در باره مسائل مبهم و حل ناشدنی جهان سخن می گوید؛ مسایلی که تأمل دقیق و بازجویانه برای حل آن ها ضروری است (مؤتمن، ۱۳۶۴: ۲۰۷)؛ مسائلی از قبیل: وحدت وجود، جبر و اختیار، توکل، تسلیم، مرگ و زندگی، آفرینش و راز وجود، عدم... (رستگار فسایی، انواع شعر فارسی، ۱۳۸۰: ۱۴۵).

نسبت بیت های فلسفی به بیت های کل در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۰/۵۱٪)، گرشاسپ نامه: (۰/۲۱٪)، برزونامه: (۰/۰۸٪)، بهمن نامه: (۰/۱۴٪)، کوش نامه: (۰/۵۰٪)، جهانگیرنامه: (۰/۰۱٪).

نوع فلسفی به صورت مشترک با این نوع ها آمده است:

شاهنامه: پند، گفتگو، امثال و حکم، نامه، اعتذار، معما، مناظره، وصف، اسطوره، فریب، گله، داستان نمادین و تمثیلی.

برزونامه و بهمن نامه: گفتگو.

کوش نامه: داستان نمادین و تمثیلی.

۲۶-۳- مدح

شعر مدحی اغراق شاعرانه است در توصیف کسی که تمجید او مطلوب گوینده

است (زرین کوب ۱۳۷۹: ۱۴۵). مدح در آثار حماسی ملی، برخلاف مدح در آثار غنایی فارسی، همواره مدح‌هایی موجه و به دور از غلوه‌های ناممکن است. این امر؛ بویژه از این جهت قابل تأمل است که انتظار می‌رود در حماسه، مدح‌ها نیز به سبب بزرگی موضوع، بزرگ و همراه با غلو بسیار باشند، در حالی که غالباً چنین نیست. تفاوت مدح‌هایی که از زبان افراد درون داستان روایت می‌شود با مدح‌هایی که شاعر از سلطان یا دیگران می‌کند، از موضوعات قابل توجه و بررسی است.

مدح در حماسه‌ها دارای دو زیر نوع است: مدح‌های شاعر و مدح‌های شخصیت‌های داستان از یک دیگر. نسبت بیت‌های مدح به بیت‌های کل در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۲/۷۹٪)، گرشاسپ نامه: (۲/۰۸٪)، برزنامه: (۱/۷۱٪)، فرامرزنامه: (۴/۱۳٪)، بانوگشسپ نامه: (۱/۴۵٪)، شهریارنامه: (۲/۷۰٪)، بهمن نامه: (۱/۹۲٪)، کوش نامه: (۲/۸۸٪)، کک کوهزاد: (۷/۰۴٪)، جهانگیرنامه: (۲/۴۵٪).

نوع مدح به صورت مشترک با این نوع‌ها آمده است:

شاهنامه: گفتگو، نامه، پیغام، اسطوره، تغزل، وقایع نویسی، فریب، اعتذار، افسانه، گله، پند، حدیث نفس، عتاب، تک‌گویی درونی، طردیات، مناظره، فال، معما، بث شکوی، مفاخره، نیایش، هجو.

گرشاسپ نامه: مذهبی، گفتگو، نامه، اسطوره، تقاضا، عتاب، پیغام، پند.

برزنامه: گفتگو، عتاب، وصف، پیغام.

فرامرزنامه: نامه، گفتگو، اسطوره، اعتذار، مدح.

بانوگشسپ نامه: نامه، گفتگو.

شهریارنامه: اسطوره، گفتگو، نامه.

بهمن نامه: وقایع نویسی، گفتگو، نامه، فریب، پیغام، افسانه، اسطوره، نیایش.

کوش نامه: مذهبی، وصف، گفتگو، فریب، نامه، پیغام، وقایع نویسی، پند، تقاضا، بث شکوی، فال، نیایش.

کک کوهزاد: گفتگو.

جهانگیرنامه: گفتگو، اسطوره، مذهبی، پیغام، وصف، فریب.

۲۷-۳- مذهبی

شعر مذهبی شامل سروده‌هایی است که محتوای آن‌ها را موضوعات دینی تشکیل می‌دهد (رزمجو، ۱۳۸۲: ۱۰۲). فرای شعر مذهبی را حد فراتر ادبیات می‌نامد و آن را نقطه‌ای می‌داند که بینش خیالی جهان جاودانه، عین واقعیت می‌شود (فرای، ۱۳۷۷: ۶۲). شعر مذهبی در حماسه‌ها به دو زیر نوع بخش می‌شود: آن چه شاعر از سوی خود بیان می‌کند و آن چه بر زبان شخصیت‌های داستان جاری می‌سازد. نسبت بیت‌های مذهبی به بیت‌های کل در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۰/۲۰/۰)، گرشاسپ‌نامه: (۰/۴۶/۰)، فرامرزنامه: (۰/۴۳/۰)، بانوگشپ‌نامه: (۰/۰۹/۰)، بهمن‌نامه: (۰/۰۹/۰)، کوش‌نامه: (۰/۲۴/۰)، جهانگیرنامه: (۰/۰۹۲/۰).

نوع مذهبی به صورت مشترک با این نوع‌ها آمده است:

شاهنامه: گفتگو، پند، تعلیمی، مناظره، فریب، پیغام، نامه، اسطوره، وصف.

گرشاسپ‌نامه: تعلیمی، مدح، اسطوره.

فرامرزنامه: گفتگو، افسانه.

بهمن‌نامه: پند.

کوش‌نامه: مدح، پند، گفتگو.

جهانگیرنامه: پند، گفتگو، اسطوره، پیغام، وصف، افسانه.

۲۸-۳- مرثیه

مرثیه ذکر محامد و اوصاف مرده و ستایش او و نوحه سرایی در عزای مرده را گویند (دهخدا: ذیل مرثیه). مرثیه‌ها در آثار حماسی ملی از این جهت نیز قابل تأمل و بررسی هستند که می‌توانند، نمودی از مراثی کهن ایرانی و یادگاری از برخی عزاداری‌های آیینی ایرانی، مانند سوگ سیاوش یا مغ‌کشان باشد.

مرثیه های حماسه ها به دو زیر نوع بخش می شوند: مرثیه های شاعر و مرثیه های شخصیت های داستان. نسبت بیت های مرثیه به بیت های کل در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۰/۵۴٪)، گرشاسپ نامه: (۰/۳۱٪)، برزنامه: (۰/۰۲٪)، بهمن نامه: (۰/۲۱٪)، کوش نامه: (۰/۰۱٪)، جهانگیر نامه: (۰/۱۴٪).

نوع مرثیه به صورت مشترک با این نوع ها آمده است:

شاهنامه: اسطوره، حدیث نفس، وصف، گفتگو، نیایش، بٹ شکوی، سوگند.

گرشاسپ نامه، برزنامه، بهمن نامه و جهانگیر نامه: حدیث نفس.

کوش نامه: پیغام، گفتگو.

۲۹-۳- معما

معما در ادبیات بیشتر ناظر به آرایه ای است که در آن اسمی یا معنایی را به نوعی از حساب جمل یا قلب یا... بیاورند « تا جز به اندیشه بسیار و فکر تمام به سر آن نتوان رسید» (شمس قیس، ۱۳۷۳:۳۶۷)؛ اما معما در این بررسی موقعیت هایی است که «قهرمان باید معماهایی را حل کند[...]. تا به مطلوب خود دست یابد(شمیسا، ۱۳۸۳:۲۷۸). در میان حماسه های ملی، معما تنها در شاهنامه و در شش مورد آمده که (۰/۰۷٪) کل بیت ها را تشکیل داده است.

۳۰-۳- مفاخره

مفاخره در ادب، توصیف هم راه با اغراق شاعرانه است. اگر شاعر « آن را در وصف خویش یا قوم و تبار خود به کار برد» (زرین کوب، ۱۳۷۹:۱۴۵). در حماسه ها، مفاخره به دو زیر نوع مفاخره های شاعر و مفاخره های شخصیت های داستان قابل تقسیم است. رجزهایی که پهلوانان پیش از نبرد بر زبان می آورند، در این نوع قرار گرفته اند. نسبت بیت های مفاخره به بیت های کل در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۰/۱۶۵٪)، گرشاسپ نامه: (۰/۱۱۰٪)، برزنامه: (۰/۴۰۱٪)، فرامرنامه: (۰/۱۶۹٪)، بانوگشپ نامه: (۰/۷۸۴٪)، شهریار نامه: (۰/۳۰۲٪)، بهمن نامه: (۰/۰۶۳٪)، کوش نامه: (۰/۰۶۵٪)، کک کوهزاد: (۰/۳۳۸٪)، جهانگیر نامه: (۰/۱۹۴٪).

نوع مفاخره به صورت مشترک با این نوع ها آمده است:

شاهنامه: گفتگو، نامه، پیغام، اسطوره، وصف، افسانه، تک‌گویی درونی، حدیث نفس، هجو، عتاب، تغزل، وقایع‌نویسی، مدح، حسب حال، امثال و حکم، طنز.
گرشاسپ نامه: گفتگو، افسانه، نامه، وصف، پیغام، سوگند، عتاب، اسطوره، طنز.
برزنامه: گفتگو، سوگند، هجو، پیغام.
فرامرزنامه: گفتگو، نامه.
بانو گشسپ نامه: فریب، گفتگو، رمانس، پیغام، عتاب، وصف.
شهریارنامه: گفتگو، اسطوره، نامه، فریب.
بهمن نامه: گفتگو، نامه، اسطوره، افسانه.
کوش نامه: نامه، فریب، گفتگو، پند.
کک کوهزاد: عتاب، گفتگو، سوگند.
جهانگیرنامه: گفتگو، اسطوره، پیغام، فریب، افسانه.

۳۱-۳- مناظره

مناظره در ادبیات «آن است که شاعر یا نویسنده، دو طرف را در برابر هم قرار دهد و آن‌ها را بر سر موضوعی به گفتگو وادار کند و در پایان یکی را بر دیگری غالب گرداند» (داد، ۱۳۷۵: ۲۷۷)؛ و این البته جدا از مشاجرات و رجزها و موارد مشابه است. مناظرات به عنوان نوع (در این بررسی) به پرسش و پاسخ‌هایی اطلاق شده که برای آزمون یا آگاهی، بین دو طرف صورت گرفته است. نسبت بیت‌های مناظره به بیت‌های کل در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۱/۸۱٪)، فرامرزنامه: (۱۱/۴۱٪).

نوع مناظره به صورت مشترک با این نوع‌ها آمده است:

شاهنامه: گفتگو، معما، تعلیمی.

فرامرزنامه: گفتگو، تعلیمی.

۳۲-۳- نیایش

نیایش در لغت به معنی دعا و آفرین آمده (دهخدا: ذیل نیایش)؛ نیایش یا مناجات، رازگویی است به درگاه خدای تعالی و عرض درخواست از او (دهخدا: ذیل مناجات). کثرت نیایش‌های آثار حماسی، نشان از جایگاه والای دین نزد ایرانیان دارد. نکته قابل توجه در نیایش‌های این آثار، نیایش غیر ایرانیان است که می‌توانند نمودی از روحیه تحمل‌پذیری دینی نزد ایرانیان و احترام آنان به پیروان سایر ادیان باشد. شگفت آن که در هیچ یک از آثار حماسی ملی ایران (در بستری پیش از تاریخ جریان دارند) اثری از نیایش کردن ایزدان آریایی و حتی زرتشتی نیز به طور مستقیم به چشم نمی‌آید.

نیایش‌های حماسه‌ها، شامل نیایش‌های شاعر و نیایش‌های شخصیت‌های داستان می‌باشد. از نیایش‌های رایج در حماسه‌ها که یک زیر نوع به حساب می‌آید، نیایش‌های آغازین است: نیایش‌هایی که در آغاز غالب نامه‌ها و خطبه‌ها آمده است. نسبت بیت‌های نیایش به بیت‌های کل در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۱/۲۷٪)، گرشاسپ نامه: (۰/۷۴٪)، برزنامه: (۰/۶۸٪)، فرامرنامه: (۰/۲۵٪)، بانوگشپ نامه: (۰/۳٪)، بهمن نامه: (۰/۶۸٪)، کوش نامه: (۰/۱۰۲٪)، کک کوهزاد: (۰/۱۲۶٪)، جهانگیرنامه: (۰/۳۶٪). نوع نیایش به صورت مشترک با این نوع‌ها آمده است:

شاهنامه: مرثیه، گفتگو، گله، اسطوره، مدح، نامه، فلسفی، وصف، فریب، پند، فال، معما، ستاره شمردن.

گرشاسپ نامه: افسانه، نامه، اسطوره.

برزنامه: مدح، نامه، گفتگو.

فرامرنامه: نامه.

بانوگشپ نامه: وصف، نامه، فریب.

بهمن نامه: مدح، نامه، رمانس، گفتگو، افسانه، اسطوره.

کوش نامه: مدح، نامه، فریب، افسانه، گفتگو.

کک کوهزاد: گفتگو.

جهانگیرنامه: اسطوره، نامه، گفتگو.

۳۳-۳- وقایع نویسی

وقایع نویسی یا وقایع نگاری به معنی خاص، به نوشتن و ضبط وقایع سلطنت توسط وقایع‌نگار گفته می‌شود (داد، ۱۳۷۵: ۳۲۲). در بررسی حماسه‌ها، به بیان مکتوب یا شفاهی آن چه پیشتر واقع شده وقایع نویسی اطلاق گردیده که خود به دو زیر گونه وقایع نویسی و وقایع گویی بخش شده است. نسبت بیت‌های وقایع نویسی به بیت‌های کل در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۱/۱۷۹۸)، گرشاسپ نامه: (۱/۱۰)، برزنامه: (۲/۵۹)، فرامرزنامه: (۳/۸۲)، شهریارنامه: (۱/۸۳)، بهمن نامه: (۲/۵۷)، کوش نامه: (۳/۶۹)، جهانگیرنامه: (۱/۷۴).

نوع وقایع نویسی به صورت مشترک با این نوع‌ها آمده است: شاهنامه: گفتگو، نامه، فریب، پیغام، گله، مدح، هجو، مفاخره، عتاب، اسطوره، اعتذار، پند، وصف.

گرشاسپ نامه: گفتگو، اسطوره، نامه.

برزنامه و شهریارنامه: گفتگو.

فرامرزنامه: نامه، وصف.

بهمن نامه: پند، مدح، گفتگو، نامه، گله، عتاب، وصف.

کوش نامه: پیغام، گفتگو، نامه، پند، تقاضا، مدح، وصف.

جهانگیرنامه: گفتگو، اسطوره، فریب، نامه، پیغام.

۳-۳۴- هجو

هجو در اصطلاح ادب «نوشته‌هایی است که شخصیت یا ظاهر شخصی یا تشکیلات جامعه‌ای را گستاخانه به مسخره بگیرد و قصد آن بیشتر رنجاندن و آزار دادن باشد. هجو معمولاً برانگیخته از حس کینه و بدخواهی است و جنبه شخصی دارد (رستگارفسایی، انواع نثر فارسی، ۱۳۸۰: ۲۹۹). هجو بر مبنای اغراق شاعرانه است، اگر این اغراق را درباره کسی استعمال کنند که مقصود تحقیر اوست (زرین کوب، ۱۳۷۹: ۱۴۵). هجوهای حماسه‌ها اگر چه از زبان افراد نیک و بد نقل شده؛ اما همواره عفت و پاک دامنی کلام در آن‌ها رعایت شده و به دور از الفاظ رکیک و دشنام‌های زشت است. نسبت بیت‌های هجو به بیت‌های کل در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۰/۳۴)، گرشاسپ نامه:

(۰/۱۹٪)، برزوناامه: (۰/۱۱۷٪)، فرامرزناامه: (۰/۱۸٪)، شهریارناامه: (۰/۳۲٪)، بهمن نامه: (۰/۳۸٪)، کوش نامه: (۰/۵۶٪)، کک کوهزاد: (۰/۸۴٪)، جهانگیر نامه: (۰/۴۴٪).

نوع هجو به صورت مشترک با این نوع ها آمده است:

شاهنامه: گفتگو، پیغام، وصف، مفاخره، نامه، مدح، حسب حال، حدیث نفس، فریب، مرثیه، طعنه، اسطوره، عتاب، نیایش، افسانه.

گرشاسپ نامه: گفتگو، حدیث نفس، عتاب، تعلیمی، فریب، اسطوره.

برزوناامه: گفتگو، عتاب، مفاخره.

فرامرزناامه: گفتگو، عتاب، اسطوره.

شهریار نامه و کک کوهزاد: گفتگو.

بهمن نامه: گفتگو، عتاب، نامه، وصف، اسطوره.

کوش نامه: گفتگو، عتاب، نامه، وصف، شهر آشوب، پیغام.

جهانگیر نامه: گفتگو، فریب، افسانه، وصف، اسطوره.

۳-۳۵- انواع زیر نیز در برخی از حماسه های ملی دیده می شود که به سبب کم بودن درصد ابیات و نیز رعایت اختصار به ذکر نام آن ها بسنده می کنیم: رؤیا، ستاره شمیری، ساختمان و ایوان، شهر آشوب، طردیات، طعنه، طنز، فال، فصول و ماه ها، ماده تاریخ، گله و تهنیت.

نتیجه گیری

از میان انواع ادبی، یا آن چه قدما به آن اغراض شعری گفته اند، در ده اثر بزرگ حماسی ملی ایران، چهل و شش نوع ادبی قابل تشخیص است که برخی از این انواع، مانند گفتگو، نامه، پیغام... جای بسیار مهم و قابل تأملی را در این آثار به خود اختصاص داده است به عنوان مثال گفتگو در این آثار بین (۰/۲۸/۳۲٪) تا (۰/۵۶/۶۵٪) کل بیت های منظومه را تشکیل داده است. این انواع عبارتند از: گفتگو، وصف، نامه، پیغام، اسطوره، اعتدار، افسانه، امثال و حکم، بث شکوی، پند، تاریخ، تراژدی، تعلیمی، تغزل، تقاضا، تک گویی درونی، تهنیت، حدیث نفس، حسب حال، داستان نمادین و تمثیلی، رمانس، رؤیا، ساختمان و ایوان، ستاره شمیری، سوگند، شهر آشوب، طردیات، طعنه، طنز، عتاب، غنایی، فال، فریب، فصول و ماه ها، فلسفی، گله، ماده تاریخ، مدح،

مذهبی، مرثیه، معما، مفاخره، مناظره، نیایش، وقایع نویسی، هجو.

پی‌نوشتها

۱- (مانند: مؤتمن در «شعر و ادب فارسی» و «تحول شعر فارسی»، رستگار فسایی در «انواع شعر فارسی» و «انواع نثر فارسی»، و فرشید ورد در «در باره ادبیات»).

منابع

- ۱- برومند سعید، دکتر جواد (۱۳۷۳)، دگرگونی های آوایی واژگان در زبان فارسی (واکه ها)، کرمان، کلاله کرمان، اول.
- ۲- بورشه، ت.ی. ه.ی. اشنایدر (۱۳۷۷)، زبان شناسی و ادبیات (تاریخچه چند اصطلاح)، ترجمه کورش صفوی، تهران، هرمس، اول.
- ۳- بهار، مهرداد (۱۳۷۸)، پژوهشی در اساطیر ایران، تهران، آگه، سوم.
- ۴- پلارد، آرتور (۱۳۷۸)، طنز، ترجمه سعید سعیدپور، تهران، مرکز، اول.
- ۵- تمیم داری، احمد (۱۳۷۹)، کتاب ایران (تاریخ ادب پارسی، مکتب ها، دوره ها، سبک ها و انواع ادبی)، تهران، الهدی، اول.
- ۶- جرجانی، میرسید شریف (۱۳۷۷)، تعریفات، ترجمه حسن سید عرب / سیما نوربخش، تهران، فرزانه، اول.
- ۷- جرّ، خلیل (۱۳۸۲)، فرهنگ لاروس عربی - فارسی، ترجمه کتاب المعجم العربی الحدیث، ترجمه سید حمید طیبیان، تهران، امیر کبیر، سیزدهم.
- ۸- داد، سیما (۱۳۷۵)، فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران، مروارید، دوم.
- ۹- رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۰)، انواع شعر فارسی، شیراز: نوید، دوم.
- ۱۰- _____ (۱۳۸۰)، انواع نثر فارسی، تهران: سمت، اول.
- ۱۱- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۲)، ارسطو و فن شعر، تهران، امیر کبیر، چهارم.

- ۱۲- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۹)، شعر بی دروغ شعر بی نقاب، تهران، علمی، هشتم.
- ۱۳- سارتر، ژان پل (بی تا): ادبیات چیست، ترجمه ابوالحسن نجفی، مصطفی رحیمی، بی جا، زمان، اول.
- ۱۴- سرامی، قدمعلی (۱۳۷۸)، از رنگ گل تا رنج خار، سوم، تهران، علمی و فرهنگی، اول.
- ۱۵- سرکاراتی، بهمن (۱۳۷۸)، سایه های شکار شده، تهران، قطره، اول.
- ۱۶- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۵۲)، «انواع ادبی و شعر فارسی»، خرد و کوشش، دوره چهارم، دفتر سوم، ۹۶، ۱۱۹.
- ۱۷- شمیسا، سیروس (۱۳۸۳)، انواع ادبی، تهران، فردوس، دهم.
- ۱۸- _____ (۱۳۸۰)، نقد ادبی، تهران، فردوس، دوم.
- ۱۹- صفا، ذبیح الله (۱۳۷۹)، حماسه سرایی در ایران، تهران، امیر کبیر، ششم.
- ۲۰- غزنی، دکتر سرافراز (۱۳۷۴)، «دانش ستاره شناسی و نجوم فردوسی»، به کوشش غلامرضا ستوده، نمیرم ازین پس که من زنده ام (مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت فردوسی)، تهران، دانشگاه تهران، اول.
- ۲۱- فرای، نورتروپ (۱۳۷۷)، تحلیل نقد، ترجمه صالح حسینی، تهران، نیلوفر، اول.
- ۲۲- قیس رازی، شمس الدین محمد (۱۳۷۳)، المعجم فی معاییر اشعار عجم، به کوشش دکتر سیروس شمیسا، تهران، فردوس، اول.
- ۲۳- مختاری، محمد (۱۳۶۸)، حماسه در رمز و راز ملی، تهران، قطره، اول.
- ۲۴- مؤتمن، زین العابدین (۱۳۶۴)، شعر و ادب فارسی، بی جا، کتابفروشی حافظ و کتابفروشی مصطفوی.
- ۲۵- موسوی، مصطفی (۱۳۷۵)، بیژن و منیژه، تهران، سروش، اول.
- ۲۶- نیکوبخت، ناصر (۱۳۸۰)، هجو در شعر فارسی، تهران، دانشگاه تهران، اول.
- ۲۷- هوارد، می یر (۱۳۸۴)، فرهنگ توصیفی اصطلاحات ادبی، مترجم سعید سبزیان مراد آبادی، تهران، رهنما، اول.